

حجت الاسلام  
عبدالملکی:  
وقتی یکی از  
عناصر داعش  
به یکی از نقاط و  
اماکن اجتماع  
شیعیان یا اهل  
سنت حمله  
انتحاری می کند  
و فاجعه انسانی  
به بار می آورد؛  
طالبان بیانیه  
صادر کرده و  
این اقدامات را  
حمله تروریستی  
به مسلمانان  
بی گناه خوانده  
و محکوم  
می کند

مبنایش نگاه می کند می بیند فسق است. جالب است این را بدانید که برخی از عالمان برجسته اهل سنت حنفی کتاب نوشتند تا اثبات کنند که سب صحابه، کفر نیست. ملا علی قاری در قرن دهم کتابی نوشته به نام «شم العوارض فی ذم الروافض» برای اثبات اینکه بگوید سب صحابه کفر نیست. بنابراین اگر کسی از احناف یا طالبان فتوا داد که سب صحابه کفر است اول از همه احادیث و عالمان مذهبش در مقابلش می ایستند بعد از آنها دیگر مذاهب. در چنین مواردی مطلب را می توان با تذکر دادن این موضوع و رویه نادرست آن عالم که برخلاف مذهبش عمل کرده، مسأله را حل کرد، البته اگر حل نشد از دایره منهج احناف بیرون رفته است. بنابراین اگر یک سنی ای را دیدی که شیعه را تکفیر کرد بدان تکفیرش بی مبناست یا از سرجهل به مخالف است یا آنکه از سرجهل به مذهب خودش است، که در هر دو صورت با تذکر و تبیین خیر خواهانه حل می شود. اما جنس تکفیر و هابیت بسیار متفاوت است، و هابیت نه جهل به مذهب مخالفش دارد، نه جهل به مذهب خودش، او با علم به اینکه مخالفانش تحقق عبادت را مقید به اعتقاد به ربوبیت می دانند، تحقق ربوبیت را مشروط به استقلال می دانند، با اعتماد و علم به مذهب محمد بن عبدالوهاب اقدام به تکفیر مخالفانش کرده است. ما این تکفیر را از سر علم، دارای مبنای خلاف قرآن و البته غیر قابل حل می دانیم، این نوع از تکفیر تنها زمانی حل می شود که فرد از آیین و هابیت دست بردارد، اما تکفیر شیعه امامیه از سوی اهل سنت به بهانه تحریف قرآن، از این جنس نیست، چون ناشی از جهل است و با قدری تبیین قابل حل است.

### آیا طالبان، شیعه را به قتل نرسانده، آیا کشته شدن شیعیان را نمی توان دلیلی بر تکفیری بودن طالبان گرفت؟ آیا شیعیان را تکفیر نکرده؟

**حجت الاسلام حیاتی:** در دو مرحله به این سؤال پاسخ می دهیم: اول آنکه بسیاری به اشتباه تصور کرده اند تکفیری ها را بر اساس کشت و کشتارهایشان باید شناخت؛ در حالی که ملاک تکفیری بودن، کشتن نیست، زیرا بر اساس تعالیم دین اسلام ارتکاب برخی از گناهان، با کفر قتل و اعدام همراه است. بنابراین این طور نیست که هر کسی آدم کشی کند تکفیری باشد، در اسلام باب قتل وسیع تر از کفر و عدم کفر است. بر اساس فقه اسلامی، شما خیلی ها را می توانی بکشی، که اساساً گمراه نیستند. به عنوان مثال یک مسلمان، صاحب نفس محترمی را کشت، یا آنکه مسلمانی مصداق بارز محارب بود، حکمش قتل و اعدام است. قاضی یا مجری حکمی که حکم را اجرا می کند، تکفیری محسوب نمی شود. بنابراین اگر گروهی علیه شما و وابستگان شما خشونت به خرج داد، شما می توانید بگویید آن شخص خشونت به خرج داده، اما نمی توان گفت: آن شخص تکفیری است. ممکن است یکی از اهل سنت یا شیعه، افساد فی الأرض یا قتل کند و طالبان به همین خاطر او را بکشد؛ ممکن است با بهانه ای ناروا، یا از سر خطا همان مسلمان شیعه یا سنی را بکشد، لکن هر چه هست آن بهانه، از جنس تکفیر نیست، بنابراین طالبان آن فرد را به صرف شیعه یا سنی بودن نکشته است و این کشتن نباید حمل بر تکفیری بودن طالبان شود.

دوم آنکه یکی از هواداران طالبان، در شماره ۱۸۷ از مجله الصمود [۶] صفحات ۱۱ تا ۱۶ برخی از شایعات و شبهات رایج درباره طالبان را ذکر کرده و به آنها پاسخ داده است. از جمله شبهات رایج، تکفیری بودن طالبان است. نویسنده این مقاله می گوید ما تکفیری نیستیم نه تنها شیعه را مسلمان و موحد می دانیم بلکه حکومت شیعه را - جمهوری اسلامی ایران - حکومت اسلامی و ایران را دارالاسلام می دانیم. بنابراین طالبان ما را کافر نمی داند و می گوید شما اسلامی و